

# اخراج مبلغین رژیم از صفوف اپوزیسیون

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

نجومی و انتقالش به محل های امن است و اکیدا ربطی به طبقه بورژوازی غربی ندارد. فاقد فرهنگ مترقی بورژوازی است و هنوز گیوه های تاریخی را در پستوی خانه نگهداشته است. که رویه اقتصاد نفتی دیکتاتوری است و تنها جایگزین مترقی آن حاصل جنبشی اجتماعی خواهد بود برای تغییرات ساختاری.

\*\*\*

جمهوری اسلامی از بدو تاسیس و تایید همه جانبه جهان سرمایه همواره در برزخ وابستگی اقتصادی از طرفی و جدال بر سر حفظ سازه و بنیاد امام سالاری و اقتصاد هرمی در جا زده است. نخست اینکه جمهوری اسلامی و سلطه تروریستی آن تنها الترناتیو رهبران امریکا و اروپا برای زدن نهال آزادی و نیروهای وابسته بود. پس از تثبیت اما که رژیم اسلامی همواره بر سر اجرای نقشی که برایش تعیین شده چانه زده است. دلیل عمده آن هم عدم پتانسیل و توانایی رژیم اسلامی است حتی برای پیوستن سیاسی به جرگه کشورهای حاشیه ای سرمایه داری، چراکه در آن صورت و جذب کامل در چنین نقشی، اثری از نظام فعلی باقی نمی گذارد. این جمهوری عقب مانده اسلامی است که در بن بست رعایت قواعدی بازی نیولیرال جهانی از طرفی و ادامه سلطه فقیه و اقتصاد مرکز محور و تک پایه نفتی گیر کرده است. سلاح رژیم در این معادله تولید بحران های بی پایان و سرکوب حداکثری است. نه اصلاح طلبان نظام اسلامی نمونه اصلاح طلبان لیبرال غربی هستند و نه اکیدا مایل به تغییر نظام بربریت اند. در این تصویر مبارزات مردم اگر در جهت زدن کلیت نظام است ولی نمی تواند از تحلیل توطئه ها و طرح های جایگزین در باب سرمایه بین الملل غافل باشد.

\*\*\*

در ممالکی که سلطه توتالیتر و حداکثری جلوی هرگونه تلاش دموکراتیک را با زندان و شکنجه، ادم ربایی و ترور می گیرد، گویی در فقدان و عدم امکان حضور سازه سیاسی و علنی تشکیلات مخالفین، نگاه و رویکرد جنبش می تواند با بزل قربانیانی چند، تنها تلاش ضد سیستمی به میدان آمده

من باور دارم که تفاوت های بسیار و ویژگی های تاریخی - اجتماعی جوامع مترقی و اکنون مترو پول و صنعتی را از همتهای آن در جهان جنوب و کشورهای عقب مانده از چرخه توسعه دموکراتیک جدا می سازد. از بحث شیرین توسعه و علل و چگونگی توسعه یافتگی شمال و حوزه ممالک پیشرفته اروپای غربی و امریکای شمالی بدلیل گستردگی مطلب توسعه می گذرم و به علت کوتاهی مطلب خود دست روی مسله انتخابات می گذارم. که در جهان جنوب و بویژه کشورهای با حاکمیت توتالیتر سیاسی به علت عدم امکان نامزدی ازاد و مستقل برای شرکت در پروسه انتخابات (عدم امکان تمرین حق شهروندی)، در واقع بالماسکه ای به این نام براه می اندازند تا جناح های متفاوت حاکمیت در نبردی واقعی ولی برای بردن سهم خود از غارت مردم، تن به مبارزه دهند. که نتیجه این مبارزه بی شک بهترین گزینه برای حفظ ارکان نظام و ضد حقوق شهروندان خواهد بود که به نیازهای فوری و عاجل کلیت رژیم جامع عمل بپوشاند.

\*\*\*

در شرایطی که سرکوب حداکثری رژیم پاسخ هرگونه حرکت دموکراتیک و حق طلبانه مردم است، برخی بازی در بساط جناح به ظاهر اصلاح طلب را توصیه می کنند. راه کاری که مصوبه دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی سابق بود و اکنون توسط بنگاه های امپریالیستی برای حفظ رژیم توصیه می شود. غرب و جهان سرمایه اروپایی و امریکایی در پی تجدید بازی حمایت از جناح اصلاح طلب در چین و شوروی است و می خواهند اسب سرکش نظام اسلامی را به قواعد بازی راضی نمایند. عمده مشکل قضیه این است که ایران اکیدا فاقد آن بورژوازی تاریخی است که حتی جریان انباشت سرمایه اش سبب رونق اقتصاد و گسترش توسعه همه جانبه کشور شود. که بورژوازی ایرانی غیر تاریخی و روستایی است و تحت الشعاع حضور در امد نفتی است. طبقه سرمایه دار ایرانی در هر دوره سران رژیم های کودتایی و وابستگان به نظام هستند و با سرنگونی نظام سیاسی مذکور، طبقه بورژوازی جدیدی از رژیم جدید و وابستگان بیرون میزند که کارش اختفای سودهای

که مبارزات پراکنده بخش های مختلف زحمتکشان در غالب جنبش های به ظاهر صنفی ، اما که رویکردی آینده دار به حساب می آیند . که گوشه ای از رویکرد جنبشی را این روزها در حرکت مشترک این معلمین و کارگران قابل مشاهده است. می توان برای آزادی اسمعیل عبدی ها و همزمان او در بخش های دیگر صفوف زحمتکشان دست به ائتلاف زد و به خوبی رژیم را بر سر دو راهی کشاند . از این مبارزات با تهدید به اعتصابات و اعتراضات بعدی تنها در صورتی به نتایج مثبت می رسند که جدا همیاری و حمایت چند و چندین بخش دیگر چون پرستاران ، بیکاران و دانشجویان و تشکیلات مستقل زنان و ... را همراه خود نماید . راه طولانی اگر در پیش است ولی هرگز به بیراهه ختم نمی شود . در رویکرد پیوند جنبش های کوچک و بعضا مدنی - صنفی است که می تواند به موازات اشکال دیگر مبارزات مخفی - علنی کار ساز باشد.

\*\*\*

مردم قرار نیست تا ابد بازیچه جنگ جناحی رژیم بربریت از طرفی و تلاش شبه روشنفکران در خدمت نظام اسلامی باشند. متأسفانه این روزها قبح نوکری برای رژیم و حامیان بین المللی آن ریخته است . پادویی برای گرم نگهداشتن بالماسکه

انتخابات مهندسی شده را تمرین حق شهروندی و تلاش در تنها راه ممکن برای ابراز رای عمومی قلمداد می کنند. کار به جایی رسیده که عین ادبیات و ضد اطلاعات رسانه های رژیم را در مدیای اپوزیسیون تکرار می کنند چون نیک میدانند که رسانه های رژیم و حامیان آن را مردم نمی پسندند . کار نوکران رژیم که چراغ خاموش حرکت می کنند تولید ضد اطلاعات و تولید توهمات بی پایان به امکان استحاله نظام بربریت است . همه آنها جشن و پایکوبی در پایان بالماسکه انتخابات رژیم را پیروزی خود قلمداد می کنند در حالیکه مردم بلا زده و ستم کشیده از هر مناسبتی برای جشن و پایکوبی و عبور از خط قرمزهای رژیم سود می برند. که جشن و پایکوبی آنها جدا در مقابل جشن ورود فوتبالیست ها به جام جهانی و شکست تیم های حریف هیچ بود . گویی اپوزیسیون انقلابی با تجربه و افشای انتصابات رژیم پیروز ماجراست و مسولیت ما در این مورد به همینجا ختم نمی شود. افشای پادوهای رژیم و حامیان بین المللی آن از صفوف اپوزیسیون ابتدای آن ولی سمت و سوی حرکت سازماندهی ما تلفیق جنبش های پراکنده است.

\*\*\*